

فصل‌نامه علمی - تخصصی مطالعات زبان فارسی (شفای دل سابق)

سال ششم، شماره شانزدهم، زمستان ۱۴۰۲ (۹۲-۷۳)

مقاله پژوهشی

Doi: [10.22034/JMZF.2024.454906.1190](https://doi.org/10.22034/JMZF.2024.454906.1190)

بازتاب عناصر رئالیستی جنگ و مؤلفه‌های آن در اشعار سلمان هراتی

ویدا ساروی^۱

چکیده

مکتب رئالیسم یکی از بنیادی‌ترین مکاتب هنری است که در اواسط قرن نوزدهم در فرانسه ظهور کرد و به سرعت گسترش یافت. پرهیز از تخیل و الهام‌های درونی رمانتیک‌ها و پرداختن به واقعیت‌های عالم بیرون از اساسی‌ترین اصول این مکتب بود که شاعران، نویسندگان و هنرمندان را به سوی خویش کشاند. به بیان دیگر رئالیسم، پیونددهنده آثار ادبی با جامعه و مسائل اجتماعی است. همگام با حرکت‌های مشروطه‌خواهان و وقوع انقلاب اسلامی در ۲۲ بهمن ۵۷ در ایران، شاعران و نویسندگان با توصیف واقعیت‌های بیرونی و انحطاط و عقب‌ماندگی کشور، این بینش هنری را کمابیش و البته به شکلی ناقص به کار گرفتند و در خدمت اهداف انقلابی درآوردند. این دوران (مشروطه، انقلاب اسلامی) را باید نقطه عطفی در ورود شعر به حوزه زندگی مردم و مسائل جامعه و متمایل شدن آن به واقع‌گرایی دانست. از میان شاعران، سلمان هراتی با درک شرایط جامعه و مسائل بین‌الملل به واقعه‌های پیش آمده در کشور و حتی جهان واکنش نشان می‌دهد. نگارنده این پژوهش، اصول رئالیسم را در مؤلفه جنگ و زیرمؤلفه‌های آن در آثار سلمان هراتی بررسی کرده است. یافته‌های پژوهش، گویای آن است که سایه شوم جنگ تحمیلی بر ملت ایران، درد و رنج مردم مناطق جنگی، بازتاب عواطف و احساسات انسانی در این دوران سخت، شهادت‌طلبی به‌عنوان هدف مقدس برای دفاع از ناموس و حس وطن‌پرستی در اشعار سلمان هراتی دیده شده است.

کلیدواژه: عناصر رئالیسم، شعر جنگ، سلمان هراتی.

۱. استادیار گروه زبان و ادبیات فارسی، واحد بابل، دانشگاه آزاد اسلامی، بابل، ایران.

۱. مقدمه

رنالیسم مکتبی ادبی، بنیادین، تأثیرگذار، عینی و بیرونی است که بر واقعیت‌های جامعه تأکید می‌کند. این مکتب را در معنای عام، نمی‌توان محدود به زمانی خاص کرد؛ اما به جهت آنکه پس از رمانتیک‌ها پدیدار شد و چارچوب دقیقش را محققان ادبی ترسیم کردند، به اوایل قرن نوزدهم باز می‌گردد. از مهم‌ترین ویژگی‌های آن، توجه به مسائل اجتماعی و پرهیز از تخیل و الهام درونی است؛ به بیان دیگر، رنالیسم پیونددهنده آثار ادبی با جامعه و مسائل اجتماعی است. ادبیات ایران تا پیش از دوره مشروطه با واقعیت‌های اجتماعی پیوند چندانی نداشت؛ اما در این دوره تحولی در نگرش شاعران و نویسندگان ایجاد شد و ادبیات به‌طور کامل تحت تأثیر تحولات اجتماعی، فرهنگی و سیاسی جامعه قرار گرفت. شعر نیز به‌عنوان بخش بزرگ و مهم ادبیات ایران از این تأثیر بی‌نصیب نماند. با توجه به حوادث مهم دنیای بیرون در این دوره، شاعران و نویسندگان، آگاهانه یا ناخودآگاه در چارچوب مکتب رنالیسم آثار خود را خلق کردند.

سلمان هراتی در سال ۱۳۳۸ شمسی در روستای مرزدشت تنکابن مازندران در خانواده‌ای مذهبی متولد شد. درس‌های ابتدایی تا پایان دوران متوسطه را در زادگاهش خواند. سپس در دانش‌سرای راهنمایی تحصیلی پذیرفته شد و پس از دو سال در رشته هنر، مدرک فوق دیپلم اخذ کرد. وی پس از پایان تحصیلات در یکی از مدارس روستاهای دور لنگرود مشغول تدریس شد. او در اشعارش «آذرآباد» تخلص می‌کرد. نخستین شعرهایش در سال‌های ۵۹ و ۶۰ در مطبوعات به چاپ رسید و سلمان را به‌عنوان یکی از شاعران نسل اول انقلاب به جامعه ادبی معرفی کرد. البته دوره شاعری سلمان بیش از ده سال طول نکشید؛ زیرا او در نهم آبان ۱۳۶۵ در حالی که در یک مینی بوس برای تدریس به دانش آموزان یکی از روستاهای زادگاهش می‌رفت، در اثر سانحه‌ای دلخراش درگذشت. سلمان هراتی به‌عنوان یک رنالیست و واقع‌گرا،

همچون یک جامعه‌شناسی نقّاد و روان‌شناسی رئوف لایه‌های زیرین واقعیت اجتماع را کاوید و عفونت و فساد و کالبد ظاهراً پیشرفته غرب را برملا ساخت و انواع استعمار طبقاتی، فساد اخلاقی، فقر، گرسنگی و روابط غیرانسانی را هویدا ساخت.

۱-۱. بیان مسأله و سوال تحقیق

مکتب رئالیسم یکی از بنیادی‌ترین مکاتب هنری است که در اواسط قرن نوزدهم در فرانسه ظهور کرد و به سرعت گسترش یافت. پرهیز از تخیل و الهام‌های درونی رمانتیک‌ها و پرداختن به واقعیت‌های عالم بیرون از اساسی‌ترین اصول این مکتب بود که شاعران، نویسندگان و هنرمندان را به سوی خویش کشاند. به بیان دیگر، رئالیسم، پیونددهنده آثار ادبی با جامعه و مسائل اجتماعی است. همگام با حرکت‌های مشروطه‌خواهان و وقوع انقلاب اسلامی در بهمن ۵۷ شاعران و نویسندگان با توصیف واقعیت‌های بیرونی و انحطاط و عقب‌ماندگی کشور، این بینش هنری را کمابیش و البته به شکلی ناقص به کار گرفتند و در خدمت اهداف انقلابی درآوردند. این دوران (مشروطه، انقلاب اسلامی) را باید نقطه عطفی در ورود شعر به حوزه زندگی مردم و مسائل جامعه و متمایل شدن آن به واقع‌گرایی دانست.

از میان شاعران، هراتی با درک شرایط جامعه و مسائل بین‌الملل به واقعه‌های پیش‌آمده در کشور و حتی جهان واکنش نشان می‌دهد. سلمان هراتی یکی از شاعران برجسته و تأثیرگذار ادب پایداری ایران به‌ویژه در عصر انقلاب است که اشعارش از نظر ادب پایداری بر اساس مؤلفه‌های مکتب رئالیسم کمتر مورد توجه قرار گرفته است. به همین دلیل در پژوهش پیش‌رو، پژوهشگر در تلاش است تا مؤلفه جنگ و زیرمؤلفه‌های آن را در اشعار سلمان هراتی بررسی کند و به این پرسش اصلی پاسخ دهد که جنگ و مؤلفه‌های آن به چه اشکالی در اشعار سلمان هراتی نمود یافته است؟

۱-۲. اهداف و ضرورت تحقیق

با توجه به عمر کوتاه سلمان هراتی (۱۳۶۵-۱۳۳۸ ه.ش) و با توجه به این که شاعر، متعهد، انقلابی و مذهبی بوده است، این جستار در پی آن است که گوشه‌هایی از این تعهد و انقلابی بودن وی را به مخاطب نشان دهد. هدف دیگر این پژوهش، نشان دادن چگونگی به خدمت گرفتن مؤلفه‌های جنگ و زیرمجموعه‌های آن است که در اشعار نوی سلمان هراتی آمده است. ضرورت انجام دادن این تحقیق به این دلیل است که تا کنون کاری به این شکل درباره اشعار سلمان هراتی انجام نگرفته است.

۱-۳. پیشینه تحقیق

آثار قابل استنادی در زمینه رئالیسم وجود دارد که به نقد و بررسی این مکتب پرداخته‌است؛ از جمله کتاب «یاد آر ز شمع مرده یاد آر» (تحلیل اجتماعی شعر مشروطه)، از عبدالله نصرتی که شعر شاعران عصر مشروطه را از جنبه اجتماعی مورد نقد و بررسی قرار می‌دهد و پژوهندگان را در مسیر شناخت شاعران عصر مشروطه و تحقیق درباره شعر این دوره یاری می‌رساند. فاروق خرابی نیز در کتاب «سیاست و اجتماع در شعر عصر مشروطه» بر جنبه اجتماعی شعر این دوره تأکید می‌ورزد و بازتاب وقایع اجتماعی و سیاسی را در این اشعار نشان می‌دهد. هم چنین آثار متعددی در زمینه تأثیرپذیری داستان‌های فارسی از مکتب رئالیسم نگاشته شده که مهم‌ترین این آثار جلد اول «داستان کوتاه در ایران» نوشته حسین پاینده است که داستان‌های رئالیستی و ناتورالیستی را مورد نقد و بررسی قرار می‌دهد. محمود فتوحی (۱۳۹۲) نیز در مقاله «شکل‌گیری رئالیسم در داستان نویسی ایرانی» در مورد نقطه آغاز این مکتب در ادبیات ایران بحث می‌کند؛ اما تاکنون پژوهش مستقلی درباره تحلیل رئالیستی اشعار سلمان هراتی انجام نشده است. از سوی دیگر سلمان هراتی به سبب مرگ زودرس و گرایش‌های متفاوت او نسبت به انقلاب و جنگ، اشعارش کمتر مورد توجه پژوهشگران قرار گرفته است.

۲. بحث و یافته‌های تحقیق

۲-۱. تعریف رئالیسم

رئالیسم یا واقع‌گرایی از «ریشه لاتینی «Real» به معنای واقعیت، واقع‌گرایی و از ریشه «res» به معنای چیز، شیء یا چیزگرایی گرفته شده است» (گران، ۱۳۸۵: ۵۶). «در اصل رئالیسم یا واقع‌پردازی، واقع‌گرایی در حوزه ادبیات، مکتبی یا به عبارت دقیق‌تر، برداشتی است که در آن کوشش نویسنده یا گوینده بر آن است تا زندگی را بدون کمال بخشیدن و دادن جنبه شاعرانه ذهنی به آن توصیف کند» (شریفی، ۱۳۸۸: ۶۷۱). «رئالیسم تعبیر فلسفی دیرپایی است که معنای آن اعتقاد به واقعیت اندیشه‌ها بود» (ولک، ۱۳۷۷: ۴ / ۱۱). پس «قلمرو اصلی کاربرد آن در فلسفه بوده است؛ درواقع این لغت از فلسفه وارد ادبیات و نقد ادبی شده است.» (زرشناس، ۱۳۸۹: ۵۶)

۲-۲. اصول مکتب رئالیسم

در عرصه ادبیات، نخستین گام‌های مکتب رئالیسم را بالزاک در بطن همان اجتماعی که نویسندگان رمانتیسم را در خود جای داده بود، برداشت. «بالزاک به یاری دوره آثارش تحت عنوان کم‌دی انسانی، خود را در جایگاه پیشوای رئالیست‌ها قرار داد» (سیدحسینی، ۱۳۸۹: ۲۷۱/۱). او آغازگر حرکتی بود که منجر به فراهم آمدن بستری مناسب برای تبلور مسائل مختلف اجتماعی در صحنه ادبیات شد که تا آن زمان کمتر مورد توجه قرار می‌گرفتند. «بالزاک موضوع آثار ادبی را از درون ذهن و خیال نویسنده به پهنه وسیع جامعه و مسائل آن کشاند؛ از این‌رو موضوع داستان‌ها، بیشتر مسائل مربوط به مردم است، مانند فقر، بدبختی، بیماری، دشمنی، رنج و غیره.» (وزین‌پور، ۱۳۸۰: ۲۸۶)

«مکتب رئالیسم به‌طور رسمی توسط نویسندگان متوسطی چون شانفلوری، موژه و دورانتی بنیان نهاده شد. نام رئالیسم و اصول آن برای نخستین بار در سال ۱۸۴۳ توسط شانفلوری مطرح شد» (همان: ۲۷۳). «رئالیسم به‌عنوان یک سبک ادبی، بیانگر

واقعیت‌های زندگی و شرح و توضیح آن‌ها و انتخاب قهرمانان و ساختن تیپ‌های مختلف است؛ به عبارت دیگر، تحقیق در مسائل حیاتی‌ای که در زیر ظواهر نهفته است و همچنین جداکردن این حقایق از تصورات و تخیلات در شمار وظایف نویسنده رئالیست و پیروان مکتب رئالیسم است» (رادفر، ۱۳۸۳: ۳۰). انتخاب مسائل حیاتی، یکی از مهم‌ترین اصولی است که تکامل رئالیسم بدان وابسته است.

«نویسنده رئالیست از میان عناصر داستان به دو مورد دقت بیشتری دارد: قهرمان داستان که از افراد عادی انتخاب می‌شود و صحنه‌سازی که در آثار رئالیستی صرفاً برای آشنایی بیشتر خواننده با وضع روحی قهرمان برگزیده می‌شود» (نوری، ۱۳۸۹: ۱۸۶). با شکل‌گیری مکتب رئالیسم و حاکمیت آن به‌عنوان جنبش برتر در قرن نوزدهم، اصول و ویژگی‌های این مکتب مورد توجه نویسندگان قرار گرفت. این اصول که اساس تمام آثار رئالیستی است عبارتند از: کشف و بیان واقعیت، توجه به محیط اجتماعی و تحلیل اجتماعی، پرهیز از هرگونه تخیل و الهام درونی، مشاهده دقیق و تشریح جزئیات، توجه به سرزمین‌های واقعی خود و دیگران، جست‌وجوی آینده، توجه به تاریخ برای آگاهی، معمولی بودن قهرمان داستان، توجه به عینیت مانند تماشاگر و بیان روابط علت و معلولی در پدیده‌های اجتماعی.

در این خصوص سه اصل مهم واقعیت‌گرایی، جامعه‌گرایی و توجه به زمان در نظر گرفته شده است. قهرمان را از میان مردم و از هر سطحی گزینش می‌کند.

۲-۳. رئالیسم در اروپا و ایران

اولین آثار با ارزش مکتب رئالیسم را ائوره دو بالزاک (۱۷۹۹-۱۸۵۰م) نویسنده فرانسوی به وجود آورد. «مجموعه کمدی انسانی او که شامل رمان‌های متعدد درباره زندگی طبقه متوسط آن روز فرانسه است، اصول این مکتب را تکمیل کرد و با توجه به مبانی کار او شانفلوری / champfleury (۱۸۲۱-۱۸۸۹م) نویسنده دیگر فرانسه، در سال ۱۸۴۳ مانیفیست یا مرامنامه رئالیسم را اعلام کرد. همچنین شانفلوری دیدگاه

نقاش فرانسوی کوربت/ courbet (۱۸۱۹-۱۸۷۷م) را که عقاید سوسیالیستی داشت و دهقان و کارگر را مناسب‌ترین موضوع‌ها برای اثر هنری می‌دانست، مورد توجه قرار داد.» (میرصادقی، ۱۳۸۵: ۳۳۵)

برای یافتن ریشه‌های رئالیسم در ایران باید به دوران انقلاب مشروطه بازگردیم. شیوه رئالیسم در اثنای قیام مشروطیت به ادبیات ایران راه یافت. در این دوره تحولاتی عظیم در شیوه فکری و نگرش اجتماعی شاعران و نویسندگان صورت گرفت و ادبیات که تا آن زمان در خدمت اشراف و درباریان بود به هنری برای مردم تبدیل شد. همسو با دگرگونی‌های اجتماعی عصر مشروطه، ادبیات با بازتاب این دگرگونی‌ها پیوند خود را با رئالیسم محکم‌تر کرد. «نارضایتی مردم از اوضاع کشور، آشنایی با افکار و اندیشه اروپائیان، تأسیس دارالفنون، ورود صنعت چاپ به ایران و انتشار افکار آزادیخواهانه در رساله‌ها و روزنامه‌ها زمینه‌های بروز انقلاب مشروطه را در ایران فراهم کرد» (محمدی، ۱۳۷۵: ۳۵). «از سوی دیگر شرایط نابسامان اجتماعی و سانسور و خفقان شدید سیاسی این عصر، عده‌ای از نویسندگان را مجبور کرد که برای بیان اعتقادات خویش کشور را ترک کنند» (آجودانی، ۱۳۸۷: ۷۰). «افرادی چون ملکم خان، میرزا آقا خان کرمانی، سید جمال‌الدین اسدآبادی، شیخ احمد روحی، عبدالرحیم طالبوف و بسیاری دیگر از روشنفکران و روحانیون مبارز، در خارج از کشور با تمام توان برای مبارزه با استبداد حاکم جنگیدند.» (آجودانی، ۱۳۸۲: ۲۵۰)

ویکتور هوگو در مورد تأثیر انقلاب‌ها در ادبیات می‌گوید: «قاطع‌ترین نتیجه مستقیم یک انقلاب سیاسی، یک انقلاب ادبی است» (محمدی، ۱۳۷۵: ۳۵). این انقلاب ادبی در ایران در اثر انعکاس مشروطه در فرهنگ و ادب کشور به‌وقوع پیوست و باعث پیوستن گروهی از شعرا و نویسندگان به آزادی خواهان شد. «شعر دوره مشروطه با عقب‌نشینی از شیوه استعاری و سمبولیک و گرایش به سمت عقلانیت، نقادانه در پیوند ادبیات با واقعیت سهیم شد و به نهضت رئالیستی پیوست.» (فتوحی، ۱۳۸۶: ۱۶۴)

«به‌طور کلی می‌توان گفت شاعران در انقلاب‌های بزرگ جهان نقشی سازنده و مؤثر داشته‌اند. هرچند آن‌ها جامعه‌شناس، تحلیلگر و آگاه به علوم اجتماعی نبوده‌اند اما چنان توصیف و تحلیلی از جامعه‌ی عصر خویش و تحولات آن در آثارشان پدیدار می‌شود که تصویری بسیار دقیق و رسا از جامعه را به خواننده عرضه می‌کند.» (خارابی، ۱۳۸۰: ۱۲)

از میان شاعران دوره‌ی مشروطه که هم خود رنج کشیده‌ی راه انقلاب مشروطه هستند و هم اشعارشان لحظه‌لحظه با نمایش تحولات و مسائل انقلاب، تصاویر دقیقی از اجتماع آن دوره را عرضه می‌کنند، می‌توان از عارف قزوینی، میرزاده عشقی، اشرف‌الدین گیلانی، بهار و لاهوتی را نام برد.

داستان‌نویسی به سبک رئالیسم در ادبیات فارسی از آغاز نوشتن داستان به سبک جدید که با «یکی بود یکی نبود» اثر جمال‌زاده همراه بود تا به امروز در میان نویسندگان رواج داشته است و نویسندگانی همچون محمدعلی جمال‌زاده، صادق هدایت، بزرگ علوی، جلال آل احمد، محمود دولت‌آبادی، احمد محمود، محمود اعتمادزاده و غیره عناصر رئالیستی و واقع‌گرایی را در آثار خود به کار برده‌اند. «داستان معاصر با بزرگانی مطرح شد که آمدند تا وجودشان تحولی در ساختار کهنه ایجاد کند. اینان اغلب با مسائل اجتماعی و سیاسی روز آشنا بودند.» (خادمی ارده، ۱۴۰۰: ۲)

«این بزرگان به آفرینشی متنوع از مردم شهرنشین، اشرافِ ورشکسته، هنرمندان، کارمندان گنجشک‌روزی، روشنفکران، کارگران، روستاییان، پیران و خردسالان پرداخته‌اند و ما تصاویری را که بیانگر روابط فئودالی، اخلاق بورژوازی، دیوان‌سالاری اداری، مسائل جامعه سنتی، برخورد دسته‌ها و طبقات در سطح شهر و روستا و مزرعه و اداره و کارخانه و خانه است، در آثار آن‌ها می‌بینیم.» (سپانلو، ۱۳۸۱: ۱۳۹)

۲-۴. عناصر رئالیسم در اشعار سلمان هراتی

واقعیت‌های مطرح‌شده در اشعار هراتی، بیشتر واقعیت‌های جامعه است که برای شاعر بسیار رنج‌آور و غیرقابل تحمل است. به‌طور تقریبی می‌توان گفت تمام اشعار رئالیستی وی انعکاس‌دهندهٔ عناصر پایداری مربوط به انقلاب و دفاع مقدس است و تمام سعی و تلاش خود را به کار می‌بندد تا واقعیت‌های تلخ و شیرین جامعهٔ انقلابی و جنگ‌زده را به نمایش بگذارد. «هراتی شاعری متعهد است که شعر خود را در خدمت اهداف سیاسی- اجتماعی قرار می‌دهد. ظهور انقلاب اسلامی، وقوع جنگ تحمیلی باعث دگرگونی‌هایی در ساختارها و هنجارهای سیاسی، اجتماعی و فرهنگی جامعهٔ ایران شد. عمده‌ترین مضامین شعر پس از انقلاب، بزرگداشت پایداری‌های مردم، شهید و شهادت، هشت سال دفاع مقدس، خوداتهامی (احساس حسرت در برابر شهیدان)، گرمی‌داشت فرهنگ عاشورا و درنهایت اعتراض به مظاهر ضد ارزشی چون تجمل‌گرایی است.» (تهمتن، ۱۳۸۹: ۴۹)

به‌جرات می‌توان گفت با وجود آنکه شعر هراتی بیش از اندازه درگیر مسائل عینی و واقعیت‌های جامعه است و واضح است که در چنین شعری، جایی برای تخیل و الهام نمی‌توان یافت؛ با این وجود شعر او سرشار از تخیل است که این تخیل در خدمت واقعیت‌های جامعه است که به مهم‌ترین این موارد اشاره می‌شود:

۲-۴-۱. انعکاس مسائل جنگ

سایهٔ شوم جنگ - که برای بسیاری از انسان‌ها، منفورترین واژه‌ها است - شوربختانه در انتهای تابستان سال ۵۹ بر این مرز و بوم و ساکنان بیگناهِش افتاد و صدام، از آشوب اجتماعی پس از بزرگ‌ترین انقلاب جهان، سوءاستفاده کرد و آتش یکی از طولانی‌ترین درگیری‌های قرن بیستم را برافروخت؛ با این حال، جنگ، پدیده‌ای انسانی یعنی مربوط به انسان است. در جنگ، احساسات و عواطف، چه از سنخ قهر و کینه و چه از سنخ مهر و محبت، به بالاترین حد خود می‌رسند. این حجم از احساسات، جنگ

را به پدیده‌ای نادر برای اندیشه، تفکر و نیز ادبیات، تبدیل کرده است. بر این اساس جنس جنگ ایران و عراق مقدس است؛ زیرا سربازان ایران برای حفظ تمامیت ارضی و دفاع از جان و ناموس و مال مردم وارد میدان شدند و در برابر تهاجم ناجوانمردانه تا پای جان ایستادگی کردند. این تأثیر در قالب‌های گوناگون ادبی، مانند شعر، داستان، نمایش‌نامه، فیلم‌نامه و خاطره‌نویسی با مضمون‌ها و درون‌مایه‌های جنگی موجب خلق ادبیاتی ارزشمند تحت عنوان ویژه «ادبیات دفاع مقدس» با عنوان کلی ادبیات مقاومت و پایداری شد.

نگاه سلمان هراتی به جنگ بر خلاف هویت نازیبایش و تأثیر مخرب آن بر جامعه انسانی، نگاهی فرصت‌طلب برای دریافت معنویات و سفر به درون انسانی است. او می‌پندارد جنگ هجرتی است به سمت کمال، همان طور که انبیاء هجرتی از بیرون به درون خود داشته‌اند و برای ساخت جامعه‌ای بهتر می‌بایست از عادات مرسوم و متداول رها شد و سفری را آغاز کرد. او جنگ را گامی به سمت شناخت توانایی‌های جامعه‌ای می‌داند که در عادات و روزمرگی‌های خود به رخوتی دچار گشته‌اند که هیچ‌گونه پویایی و شکوفایی از آن سر نمی‌زند و در ذهن افراد جامعه‌اش تفکراتی پوچ رسوخ کرده است و هراتی جبهه را محلی برای سر بردن این گونه تفکرات می‌خواند:

«امروز دوباره کسی را آوردند/ که سر نداشت.

دلم برای جبهه تنگ‌شده است / چقدر جاده‌های هموار کسالت آور است /

از یکنواختی دیوارها دلم می‌گیرد / می‌خواهم بر اوج بلندترین صخره بنشینم /

آن بالا به آسمان نزدیک‌ترم / دلم برای جبه تنگ‌شده است /

در کوچه‌های بن بست / یک ذره آفتاب به دست نمی‌آید /

و ما هر روز به انتها می‌رسیم / و درهای عافیت باز می‌شوند /

آی با شمایم / کسی دوست دارد صاحب آسمان باشد؟ /

بیا برای هواخوری / به جنگل‌های / مجاور جبهه پناه ببریم /

سنگرها بیلاق تفکرند/ از عادت کوچه‌های داغ عربستان /
تا کوه دور حرا / پیغمبری به بار نشست / بیا به جبه به کوه برویم/ شتاب کن آقای
عادت! / پل هوایی فاصله دیگری است / دلم برای جبه تنگ شده است /
چقدر صداقت نیست/ چقدر شقایق را ندیده می‌گیریم / حس می‌کنم سرم سنگین
است / امروز دوباره کسی را آوردند که سر نداشت» (هراتی، ۱۳۸۷: ۱۲۶-۱۲۹)

در برخی از اشعار هراتی می‌توان او را به‌عنوان مصلح اجتماعی دید. حال او با استفاده از قالب لطیف شعری و در جامعه‌ای که پیشروی خود انقلابی را نیز تجربه می‌کند، به نظاره نشسته و به‌عنوان ناظری مسئول و متعهد با زبانی کنایه‌آمیزی، مواضع خود را نسبت به نابرابری‌ها و بی‌عدالتی‌هایی که حتی پس از انقلاب ادامه پیدا کرده بود، ساده و به زیبایی هر چه بهتر بیان می‌کند:

«چرا سهم عبدالله/ جریب جریب زحمت است و حسرت/ و سهم ناصرخان/ هکتار
محصول است و استراحت؟/ ما در مقابل آمریکا ایستاده‌ایم/ اما چرا هنوز کیومرث خان
خرش می‌رود/ عبدالله با داس/ هر شب چند خوک سر مزرعه می‌کشد/
اما وقتی ارباب می‌آید، مجبور است تعظیم کند/
چرا عبدالله مجبور است به این خوک تعظیم کند؟» (همان: ۲۰۱)
در جایی دیگر می‌گوید:

«به مادرم گفتم: چرا خدیجه گریه می‌کند؟/
گفت: چرا گریه نکنند دوبار قلبش شکست کافی نیست؟! / چرا خدیجه گریه نکنند/
درحالی‌که او ما را به‌اندازه دو باغ گل سرخ / به بهار نزدیک کرده است/ با تحمل دو
داغ، به‌اندازه دو طلوع/ صبح ظهور را جلو انداخته است» (همان: ۹۹-۲۰۰)

«دوران جنگ، دامنه زمانی شکل‌گیری و اوج‌گیری شعر سلمان از نظر محتوایی
است؛ بنابراین درونمایه شعر سلمان در محدوده حماسه و تراژدیست. جنگ و جلوه

های آن، قلمرو حماسه و شهادت، جلوه‌های عزاداری، تشییع جنازه شهیدان و نمودهای آن در شعر سلمان است» (رحمدل شرفشاده، ۱۳۸۹: ۱۲۹)

۲-۴-۲. شهادت و ستایش آن

شهادت به دلیل نقش خاصی که در رشد و کمال معنوی انسان و تحقق هدف مقدسی چون تقرب به درگاه حضرت پروردگار و کسب خشنودی و رضایت او به عهده دارد، همواره آرزوی بزرگ پیامبران، ائمه و مؤمنین بوده است. امام علی (ع) در نهج البلاغه می‌فرماید: «به خدا سوگند که علاقه من به مرگ و شهادت، بیش از علاقه کودک به پستان مادر است.» (دشتی، ۱۳۷۹: ۵۱)

بر کسی پوشیده نیست که بسیاری از جوانان و رزمندگان این مرز و بوم، ضمن دفاع از میهن اسلامی، شیفته حضرت حق و آرزومند وصال محبوب بوده و شهادت را نزدیک‌ترین راه برای نیل به این مقام بلند دانسته و همواره از خداوند متعال درخواست رسیدن به این فیض بزرگ را داشته‌اند. زندگی سراسر جهاد و مبارزه این بزرگان همیشه با عشق به شهادت سپری می‌شده است و همواره با امید به تحقق این هدف مقدس و در انتظار رسیدن لحظه‌ای که قفس جسم را بشکنند و به ملکوت اعلی پرواز آغاز کنند، روزشماری می‌کردند. این مهم در بسیاری از داستان‌هایی که در زمینه دفاع مقدس نوشته شده انعکاس داشته است. سلمان با حضور در جبهه‌های جنگ در لحظات معنوی، با قداستی غیر قابل توصیف آن را لمس کرده است. سلمان در اشعارش شهید را با مظاهر طبیعت پیوند می‌زند و همین امر تصاویر شعری او را خوش رنگ و سر زنده نگه می‌دارد:

«ای شهیدان کجاست منزلتان؟ / چیست جز آفتاب در دلتان؟ /

روی در آب چشمه می‌شوید/ از خدا عاشقانه می‌گویید» (هراتی، ۱۳۸۷: ۵۳)

در جایی دیگر با پیوند شهید و پدیده‌های روشن طبیعی، تصویری خلاق از شهید می‌آفریند، تصویری که یک سوی آن طبیعتی است، استعلا یافته و بازآفرینی شده و سوی دیگر استعاره‌ای بالنده و پر بار. با چنین تصویری از شهید برای زدودن دلتنگی مادران شهید، با زبانی آمیخته از حماسه و تراژدی به آنان می‌گوید:

«ای مادران شهید سوگوار که اید! / دل تنگی تان مباد! آنان درختان اند /

باران اند / آنان نیلوفران اند / که از حمایت دستان خدا برخوردارند /

آبی اند، آسمانی اند ...» (همان: ۱۱۶)

«نگرش سلمان به دنیای پیرامونش نگرشی عاشقانه است. از نظر او درخت، جنگل، خاک، دریا، اقیانوس، ماه و ستاره یک مفهوم است» (قاسم‌زاده ابلی و دیگران، ۱۴۰۱: ۳). هراتی با تصویر آفرینی بی‌بدیل چشم‌های شهید را به فانوسی در شبی طوفانی تشبیه می‌کند که گردباد را می‌گشاید و لبخند شهید را به اقیانوس، دگربار شهید را به ستاره و انبوه شهیدان را به رودی از ستاره تشبیه می‌کند:

«بیرون این معین محدود / رودی از ستاره جاری است /

رود شهید با سکوت همصدا شو / تا بشنوی / پشت آسمان چه می‌گذرد» (همان)

و یا: «ای شهید، ای جاری گلگون / جایت از پندار ما بیرون /

رفته ای با اسب خونین یال / ای شهید، ای مرغ آتش بال ...» (همان: ۱۲۸)

در جای دیگر می‌گوید: «جنگل شهید / سبزتر از جنگل /

هیچ وسعتی، بهار را نسرود / و سرخ تر از شهید / هیچ دستی در بهار گل نگاشت /

یا: جنگل / همزاد مرد مقدسی است / که دلدادگی آفتاب بود...» (همان: ۵۴)

۲-۴-۳. وطن پرستی

بی‌گمان تلاش برای بیان مظاهر تاریخی، فرهنگی و اجتماعی هر سرزمینی از دغدغه‌های همیشگی مردم همان سرزمین و گویای عمق نفوذ قلمرو وطن‌خواهی و میهن‌دوستی آنان است. این موضوع بنا به خاصیت هنر و ادبیات که آمیخته با انواع

ظرایف و نکته‌سنجی‌هاست و با احساس و شور در ورای تفکر و شعور ممزوج است، در نمودی گسترده‌تر و همراه با طیف اثرگذاری بیشتر در تمامی اعصار و قرون جلوه‌گری کرده است. «در ادبیات سرزمین ما و به‌ویژه شعر، موضوع وطن با پشتوانه‌ی کهن تاریخ و تمدن آمیخته شده و آثاری که در این حوزه به ثبت رسیده گنجینه‌های ارزشمندی از تقارن احساس، هنر، تفکر و تعقل است. این آثار هم نمایان‌کننده‌ی روح ملی و حماسه‌ی جمعی است و هم سرگذشت دفاع از کیان و عزت ایران. در گذشته‌ی تاریخی ایران (جز چند استثنا) چنین فهمی از وطن وجود نداشت و اگرچه کسانی بودند که وطن را چیزی جدای از شهر زادگاه خویش می‌دانستند؛ غالب مردمان چنین نبودند و به‌محض اینکه پای از زادگاه خویش (شهر و روستا) بیرون می‌نهادند، آرزوی بازگشت به وطن را در سر می‌پروراندند. چنانکه در نظر سعدی، پارس نه شهر او که وطن مألوفش بود» (شفیعی کدکنی، ۱۳۹۰: ۶۶۲).

این باور تا اواخر روزگار حکومت خاندان قاجار ادامه داشت تا آنجا که حتی از دید سیاحان اروپایی نیز پنهان نمانده است. پولاک، یکی از سیاحان در بخشی از سفرنامه‌اش می‌نویسد: «ایرانی تا آن اندازه ریشه دارد که هرکاری از دستش برآید برای آن می‌کند. پس از آن ولایت برایش اهمیت دارد و سرافرازانه می‌گوید که خویش و قوم و طایفه دارم. وی تمام مردم برجسته‌ی طایفه خود را می‌شناسد و هرگاه یکی از افراد آن مدعی تاج و تخت شود به خود می‌بالد.» (آجودانی ۱۳۸۲: ۱۶۰)

دوره‌ی مشروطیت، سرآغاز ورود بسیاری از اندیشه‌های نو در شعر و نثر فارسی است. اندیشه‌هایی که از این دوره وارد شعر فارسی شده‌اند، اگرچه گاهی در سابقه‌ی ادبیات به‌نوعی یافت می‌شوند؛ در ادبیات مشروطه شکل خاص خود را دارند. یکی از مهم‌ترین این اندیشه‌ها، اندیشه‌ی وطنی است که به‌طور خاص در بحبوحه‌ی دوران مشروطه و سال‌های پس از آن به‌طور چشمگیری فضای شعر ایران را در بر گرفت. «در ایران بر اثر پیدایش نهضت مشروطه حس همبستگی ملی در میان مردم شکل گرفت و بر پایه‌ی

آن عشق به وطن به‌عنوان تعلق به سرزمین یا کشوری واحد به وجود آمد.» (شفیعی کدکنی، ۱۳۹۰: ۳۵)

به‌عنوان نمونه «اگر فرخی یزدی را شجاع‌ترین شاعر عصر خویش بنامیم، چندان از جاده انصاف به دور نیفتاده‌ایم. شاعری که در اوج دیکتاتوری رضاخان می‌گوید: «بود اگر جامه بیدار درین دار خراب / جای سردار سپه جز به سر دار نبود» او یک وطن‌پرست برجسته عصر مشروطه است.» (همان: ۳۹۳)

در ادبیات معاصر و به‌خصوص شعر نیز باتوجه به اهمیت مفهوم وطن در انقلاب اسلامی و دفاع مقدس و پیوند متقابل حوادث تاریخی و اجتماعی با این موضوع، عشق و نگاه هراتی به موضوع وطن و بازتاب این موضوع در شعر او درخور تأمل است:

«ای وطن من ای عشق / ای ازدحام درد / جان من از بی دردی / درد می‌کند /
ای وطن من، ای عشق / مرا به تماشای طوفان مشتاق کن /
من تنه‌ایم / می‌آیم / و باقی مانده خویش را /

با تو تقسیم می‌کنم / سنگرها بی‌یلاق تفکرند» (هراتی، ۱۳۸۷: ۲۸)

در بندهای زیر وطن را به شکل نماد به کار می‌برد:

«ای آفتاب شمایل دریا دل / و مرگ در کنار تو زندگی است

ای منظمه ی نفیس غم و لبخند / ای فروتن نیرومند!

ایستاده ایم در کنار تو سبز و سر بلند / دنیا دوزخ اشباح هولناک است

و تو آن درخت گردوی کهنسالی / و بیش از آنکه من خوف تبر را نگرانم

تو ایستاده ای / بگذار گریه کنم نه برای تو / که عشق و عقل در تو آشتی کرده‌اند

که دست‌های تو سبز است / و آسمان تو آبی / و پسران تو

مردان نیایش و شمشیرند / و مادران صبوری داری و پدرانی به غایت جرأت‌مند /

و جنگل‌هایی در نهایت سبزی و ایستادگی و دریا‌هایی /

با جبروت عشق هماهنگ نه برای تو/ که نام خیابان‌هایت را شهیدان برگزیده‌اند، دوست دارم تو را/ آنگونه که عشق را دریا را / آفتاب را/ کی می توان از سادگی تو گفت و هم به دریافت خرمهره «نویل» نایل آمد/ من فرزند توام» (همان: ۲۲۱-۲۲۴).

عشق به وطن در اشعار هراتی، به شکل نمادین نیز ترسیم می‌شود که در این میان طبیعت سهم به‌سزایی در خلق نمادها دارد. طبیعت بهترین ال‌ها بخش و تابلوی هزار رنگ و هزار نقشی است که بیشترین منابع نمادپردازی را در دل خود دارد. «پدیده‌های طبیعی وقتی به‌صورت نماد ادبی در می‌آیند و در واقع به یک شیء ادبی بدل می‌شوند، از نمونه‌های طبیعی خود فاصله می‌گیرند. کوه دماوند یک پدیده طبیعی است؛ اما در قصیده مشهور دماوندیه بهار این کوه به یک پدیده ادبی بدل می‌شود.» (فتوحی، ۱۳۸۶: ۱۹۰-۱۹۱)

در اشعار هراتی، طبیعت سهم به‌سزایی در خلق نمادها دارد و آن بیشتر به جهت تولد و بالندگی او در دل طبیعت است. او با هر لحظه رویش بهار، قد کشیده و بالنده شده، نفس او در نفس‌های جنگل گره خورده و آنچه از طبیعت در شعرهای او آمده حاصل تخیل و درک او با حواس پنج‌گانه‌اش است. او با جنگل آواز می‌خواند و با شکوفه کردن درختان، ذوق و طبع او هم شکوفا می‌گردد. در زیر نمونه‌هایی از اشعار وطنی او در قالب نماد ترسیم می‌گردد:

«دیگران را بگذار! / دل به آفتاب بسپار / نگاه کن چگونه هر بامداد / صبور و سربلند / از شانه‌های خاکستری صبح بالا می‌آید» (همان: ۲۵۵)

«جنگل به نام تو می‌روید / جنگل به نام تو می‌رویاند /

در فصل رستن و رستن / جنگل قیامت است / ... آی میرزا /

جنگل وسعت پیوسته سبز سدیدارهاست / و سایه‌ها / یادآور خستگی توست /

که کسالت زخم خنجر نارفتقان را / درسایه بلوط پیر تکاندیم» (همان: ۸۸)

«بر دامن مادرم اگر گندم می‌پاشیدیم / سبز می‌شد

از بس گریسته بود/ آسمان تنها دوست مادرم بود» (همان: ۱۶۹)

۳. نتیجه‌گیری

رئالیسم که به‌عنوان جنبش ادبی در اواخر نیمه اول قرن نوزدهم آغاز شده و در تباین با رمانتیسم تلقی می‌شود، در تقابل با تخیل رمانتیسم طرفدار بیان واقعیت در اثر ادبی است. این مکتب از همان آغاز شعر معاصر در ادبیات فارسی مورد توجه شاعران مختلف قرار گرفته است که یکی از آن‌ها سلمان هراتی است. او با بهره‌گیری نوعی خاص از اصول رئالیسم از جمله کشف و بیان واقعیت‌ها، توجه به محیط اجتماعی و تحلیل اجتماعی، مشاهده دقیق و تشریح جزئیات، آرمانگرایی و توجه به تاریخ به‌عنوان زمینه‌ای برای آگاهی‌بخشی و بیداری مردم بهره می‌گیرد. رئالیسم او هدفمند، آرمانی و زمانی هم اعتراضی و انتقادی است. رئالیسم و واقع‌گرایی او سبب آگاهی و بینش مردم می‌شد و این سزاوار یک حرکت فرهنگی ماندگار بود. همچنین سلمان هراتی با بهره‌گیری از جلوه‌های گوناگون ادب پایداری، آیینی (اسلامی)، انقلابی و انسانی چون ترسیم چهره درد کشیده مردم، بیان جنایات مستبدان داخلی و استعمارگران خارجی، ستایش آزادی و القای امید به آینده، دعوت به مبارزه و دلاوری، اعتراض به فاصله طبقاتی و درنهایت، تکیه بر ارزش‌های دینی و انقلابی می‌کوشید تا فضای مبارزه را برای مخاطبان شعر خویش ملموس کند و از این رهگذر، آنان را به پایداری در برابر تمامی عوامل ظلم و استبداد ترغیب و تشویق کند. به‌طور کلی محور اندیشه‌های سلمان حول مضامین دینی، فرهنگ شهادت، تکریم ائمه اطهار، شهدا و تقدس جهاد علیه باطل و برابری نژادی می‌چرخد. او همچون آموزگاری زیرک این مفاهیم را با تصویرهای عینی و قابل درک برای کودکان و نوجوانان بیان می‌کند.

کتاب‌شناسی

کتاب‌ها

- ۱) دشتی، محمد (۱۳۷۹)، ترجمه نهج البلاغه امام علی (ع)، قم: مشرقین.
- ۲) آجودانی، ماشاءالله (۱۳۸۲)، مشروطه ایرانی، تهران: نشر اختران.
- ۳) (۱۳۸۷)، یا مرگ یا تجدد، تهران: نشر اختران.
- ۴) خارا، فاروق (۱۳۸۰)، سیاست و اجتماع در شعر عصر مشروطه، تهران: مؤسسه انتشارات دانشگاه تهران.
- ۵) زرشناس، شهریار (۱۳۸۹)، رویکردها و مکتب‌های ادبی، تهران: پژوهشگاه اندیشه.
- ۶) سپانلو، محمد (۱۳۸۱)، نویسندگان پیشرو ایران. چ ۶. تهران: نگاه.
- ۷) سید حسینی، رضا (۱۳۸۹)، مکتب‌های ادبی، دوره پنج جلدی، تهران: نگاه.
- ۸) شریفی، محمد (۱۳۸۸)، فرهنگ ادبیات فارسی، تهران: معین.
- (شفیع کدکنی، محمدرضا (۱۳۹۰)، با چراغ و آئینه (ریشه‌های تحول شعر معاصر ایران)، تهران: سخن.
- ۱۰) فتوحی، محمود (۱۳۸۶)، بلاغت تصویر، تهران: سخن.
- ۱۱) گرانت، دیمیان (۱۳۸۵)، رئالیسم، ترجمه حسن افشار، تهران: نشر مرکز.
- ۱۲) محمدی، حسنعلی (۱۳۷۵)، شعر معاصر ایران از بهار تا شهریار، چاپ سوم، تهران: ارغنون.
- ۱۳) میرصادقی، میمنت (۱۳۸۵)، واژه‌نامه هنر شاعری. چ ۳. تهران: مهناز
- ۱۴) نوری، نظام‌الدین (۱۳۸۹)، دایره‌المعارف مکتب‌ها، سبک‌ها و جنبش‌های ادبی و هنری جهان تا قرن بیستم. تهران: نشر یادواره اسدی ثامن الائمه.
- ۱۵) وزین پور، نادر (۱۳۸۰)، بر سمند سخن، تهران: فروغی.
- ۱۶) ولک، رنه (۱۳۷۷)، تاریخ نقد جدید، جلد ۴، (۸ جلد) ترجمه سعید ارباب شیرانی، تهران: نیلوفر.
- ۱۷) هراتی، سلمان (۱۳۸۷)، مجموعه کامل شعر سلمان هراتی، چاپ سوم، تهران: دفتر شعر جوان.

مقاله‌ها

- ۱) تهمت، نسرین (۱۳۸۹)، «نگاهی به اشعار سلمان هراتی»، مجله رشد، آموزش زبان و ادبیات فارسی، شماره ۹۶، صص ۴۳-۵۰.
- ۲) خادمی ارده، سعیده (۱۴۰۰)، «زن و جدال رمانتیسم و رئالیسم در رمان چشم‌هایش» بزرگ علوی، فصل‌نامه علمی- تخصصی مطالعات زبان فارسی (شفای دل سابق)، سال ۴، شماره ۸، صص ۷۹-۹۶.
- ۳) رادفر، ابوالقاسم و حسن زاده میرعلی، عبدالله (۱۳۸۳)، «نقد و تحلیل وجوه تمایز و تشابه اصول کاربردی مکتب‌های ادبی رئالیسم و ناتورالیسم»، فصل‌نامه پژوهش‌های ادبی، شماره ۳، صص ۴۴ - ۲۹.
- ۴) رحمدل شرفشاده، غلامرضا (۱۳۸۹)، «بررسی محتوایی و تصویری شعر سلمان هراتی در مجموعه آسمان سبز»، کاوش‌نامه زبان و ادبیات فارسی، سال ۱۱، شماره ۲۰، صص ۱۳۶-۱۱۷.
- ۵) قاسم زاده ابلی، حسن و اسدالهی، خدابخش و شاد منامن، محمدرضا (۱۴۰۱)، «تصویر آفرینی بلاغی از قرآن کریم در شعر و ادب فارسی: مطالعه موردی از اشعار سلمان هراتی»، فصل‌نامه علمی- تخصصی مطالعات زبان فارسی (شفای دل سابق)، سال ۵، شماره ۱۰، صص ۷۸-۶۳.

